

The Position of the Islamic Republic of Iran in Russia's Soft Balancing Against the United States from (2008 to 2016)

Samaneh Tahmasebi^۱

Abdolmajid Seifi^۲

Muhaddithe Roozbahani^۳

(Received: 15/01/2023 - Accepted: 26/03/2023)

Abstract

After the collapse of the Soviet Union, the international system faced changes and passed through the bipolar stage, and the United States, which became the arena of the international power distribution structure, the position of the United States is such that, following Waltz, the world system is in a single state. It is polar, but even though it plays an important role in the international arena, not everything is in the hands of this country, and other powers have also entered the international arena, the relationship between the superpower and other powers is a factor that the nature of the system characterizes the international system, which Samuel Huntington calls a unipolar-multipolar system. In such a system, the hegemon has the upper hand in all dimensions, and other powers cannot directly confront the leading government. Therefore, medium powers such as Russia decided to seek balance and confront the United States. This research aims to explain Iran's position in Russia's balancing against the United States by using the descriptive-analytical method of Robert Pipe's theory of soft balance. Now the main question is Iran. What was Russia's position in soft balancing with the United States from 2002 to 2012? This

^۱ PhD Student, Department of Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Samaneh.tahmasbi1368@gmail.com)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-3562-0456>

^۲ Assistant Professor, Department of Political Science, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran (seifi2002@gmail.com)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-0458-3595>

^۳ M.A., Department of Political Science, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran (m.rozbahani1372@gmail.com)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-0328-2993>

research hypothesizes that considering the common threats and interests of both countries, Russia can cooperate with Iran to strengthen its military power (especially in the Syrian crisis) and create economic blocs and alliances such as the Shanghai Cooperation Organization, and increase the bargaining power at the level of the system. International especially in a nuclear case against the United States balance.

Keywords: Iran, Russia, Soft balance, America, Hegemony, Unilateral

جایگاه جمهوری اسلامی ایران در موازنه‌سازی نرم روسیه در قبال ایالات متحده از (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶)

سمانه طهماسبی^۱

عبدالمجید سیفی^۲

محدثه روزبهانی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۱/۰۶)

چکیده

پس از فروپاشی شوروی، نظام بین‌المللی با تغییراتی روبه‌رو شد و از مرحله دوقطبی عبور کرد و امریکا یکه‌تاز عرصه ساختار توزیع قدرت بین‌المللی شد و دیگر بازیگران به حاشیه رانده شدند. جایگاه امریکا به گونه‌ای است که به گفته والتز، نظام جهانی در وضعیت تک‌قطبی قرار دارد ولی با اینکه نقش مهمی در عرصه بین‌الملل ایفا می‌کند، همه چیز در دست این کشور نیست و در کنار آن قدرت‌های دیگری نیز وارد عرصه بین‌المللی شده‌اند. از این‌رو رابطه بین ابر قدرت و دیگر قدرت‌ها عاملی است که ماهیت نظام بین‌الملل را مشخص می‌کند که ساموئل هانتینگتون آن را نظام تک - چندقطبی می‌نامد. در چنین نظامی هژمون در همه ابعاد دست بالا را دارد و دیگر قدرت‌ها توانایی مقابله

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (Samaneh.tahmasbi1368@gmail.com) نویسنده مسئول

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-3562-0456>

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آیت العظمی بروجردی، بروجرد، ایران (Seifi2002@gmail.com)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-0458-3595>

۳. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آیت العظمی بروجردی، بروجرد، ایران (M.rozbahani1372@gmail.com)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-0328-2993>

مستقیم با دولت در حال رهبری را ندارند. از این رو قدرت‌های متوسط مانند روسیه تصمیم به موازنه‌جویی و مقابله در برابر آمریکا گرفتند. هدف پژوهش این است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی نظریه موازنه نرم رابرت پایپ به توضیح جایگاه ایران در موازنه‌گری روسیه در قبال ایالات متحده بپردازد. پرسش اصلی این است ایران چه جایگاهی در موازنه‌سازی نرم روسیه در قبال ایالات متحده از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ داشته است؟ فرضیه پژوهش این است، بنظر می‌رسد با توجه به تهدیدات و منافع مشترک هر دو کشور، روسیه می‌تواند با همکاری ایران در راستای تقویت قدرت نظامی (خصوصاً در بحران سوریه) و ایجاد بلوک‌ها و ائتلاف‌های اقتصادی مانند سازمان همکاری شانگهای و افزایش قدرت چانه‌زنی در سطح نظام بین‌الملل بویژه در پرونده هسته‌ای علیه آمریکا موازنه‌سازی کنند.

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، موازنه نرم، آمریکا، هژمونی، یکجانبه‌گرایی

کنت والتز معتقد است ساختار نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد یک نظام تک‌قطبی است که در آن ایالات متحده آمریکا قدرت بلامنازع است و پس از شکست رقیب سنتی خود به یکه‌تازی در عرصه جهانی می‌پردازد لکن نظام تک‌قطبی یکی از بی‌ثبات‌ترین نظام‌هاست که در نهایت به یک موازنه‌جویی در برابر هژمون می‌انجامد. دیدگاه او درباره نظام تک‌قطبی به دو دلیل است: اول آنکه نظام هژمون قائل به نظام بین‌المللی آنارشی است که این خود باعث می‌شود اگر کشور هژمون حتی با ملایمت رفتار کند دیگر کشورها همچنان در هراس از نیروی مهار نشدنی قدرت آن به سر برند. انتقادات وارده به رئالیست‌ها پس از جنگ سرد، نظریه پردازان رئالیست را بر آن داشت شد که علاوه بر مسائل مادی به مسائل غیرمادی هم توجه کردند و نظریه موازنه نرم را در مقابل موازنه سخت مطرح کردند. بر اساس این نظریه هدف ایجاد موازنه نرم، خنثی کردن عملکرد دولت در حال رهبری می‌باشد؛ در این مواقع کشورها با اتحاد و ائتلاف و اتکا به توانایی‌های داخلی خود به مقابله غیرمستقیم علیه هژمون روی می‌آورند. در واقع مفهوم موازنه نرم ناظر به وضعیتی است که در آن بازیگران از طریق مجموعه اقداماتی نظیر ایجاد فهم محدود مشترک امنیتی، همکاری هوشمندانه دیپلماسی و همکاری در سازمان‌های بین‌المللی است. پس از سپری شدن دو دهه جنگ سرد میان روسیه و آمریکا همچنان شاهد رقابت بین این دو قدرت بر سر موضوعات گوناگونی هستیم که ریشه در نگاه رقابت‌آمیز جنگ سرد دارد نه تعامل و همکاری و نشان از تعارضات ایده‌ای در نگاه به مسائل پیرامون و نحوه مدیریت سیاست بین‌الملل است. از سال ۲۰۰۰ و روی کار آمدن پوتین همواره یافتن جایگاه گذشته در دستور کار سیاست خارجی روسیه مد نظر قرار دارد و اولویت آنها بهبود اوضاع اقتصادی و در راستای آن ادغام در اقتصاد بین‌المللی بوده است و سعی داشته از طریق روابط

حسنة با آمريكا اعتماد اتحاديه اروپا را جلب كند و همچنين آمريكا يكي از بزرگترين سرمايه‌گذاران در روسيه است لذا بيشترين همكاري روسيه با غرب از طريق پيوندهاي اقتصادي است. ولي پس از حوادث يازده سپتامبر و خصوصا سال ۲۰۰۸ و بحران گرجستان، حضور بيشتر آمريكا در آسياي مركزي و قفقاز و شكل‌گيري انقلاب‌هاي رنگي تحت تاثير غرب براي تضعيف روسيه باعث چرخش در سياست خارجي روسيه و واگرائي روابط با ايالات متحده شد. مسائلي مانند اقدامات يكجانبه آمريكا و گسترش ناتو به سمت شرق موجب نگراني روسيه از منزوي شدن در سطح بين‌المللي شده است به همين دليل روس‌ها از راه اقداماتي مانند توسعه روابط با كشورهاي نظير ايران تلاش مي‌كند تا جايگاه خود را بعنوان يك قدرت بزرگ حفظ كند. ايران و روسيه هر دو مخالف يكجانبه‌گرايي آمريكا در سطح نظام بين‌المللي هستند و يكه‌تازي و نادیده گرفتن مقررات بين‌المللي از سوي آمريكا را بر نمي‌تابند. به همين دليل زمينه همكاري و موازنه دو كشور عليه ايالات متحده امري اجتناب‌ناپذير بنظر مي‌رسد. همكاري‌هاي دو كشور در زمينه‌هاي نظامي، اقتصادي و پرونده هسته‌اي در راستاي افزايش قدرت چانه‌زني در برابر ايالات متحده است. همچنين از زمان پايان جنگ تحميلي، روسيه همواره تامين‌كننده اصلي جنگ‌افزارهاي نظامي ايران است. حمايت ايران و روسيه از بشار اسد، رئيس جمهور سوريه، و نيز رويارويي آنها با خط مشي‌هاي آمريكا و غرب كه قصد ساقط كردن اسد را دارند اين نتيجه حاصل مي‌شود كه هر دو كشور قصد دارند عمق استراتژيك خود را در منطقه تحكيم بخشيده و خود را بعنوان بازيگراني تأثيرگذار مطرح كنند. از اين رو اين مقاله به دنبال پاسخگويي به اين پرسش است كه ايران چه جايگاهي در موازنه‌سازي نرم روسيه در قبال ايالات متحده از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ داشته است؟ هدف پژوهش اين است كه با استفاده از روش توصيفي - تحليل نظريه موازنه نرم رابرت پايپ به توضيح جايگاه ايران در موازنه‌گري روسيه در قبال ايالات متحده بپردازد.

مبانی نظریه: موازنه نرم

عده‌ای معتقدند موازنه قوا شناخته شده‌ترین و موثرترین نظریه برای تبیین ماهیت نظام بین‌الملل بعد از قرن ۱۶ است. بر طبق این نظریه، دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بین‌الملل هستند که تحت فشارهای نظام آنارشیک بین‌المللی بطور عقلایی در پی افزایش امنیت خود هستند. در واقع توازن قوا سیستمی از اتحاد قدرت‌هاست که در آن صلح و امنیت ممکن است از طریق برابری نسبی قدرت میان دو بلوک رقیب برقرار گردد (Nye, 2004: 156).

در واقع هدف اصلی هر دولت بقا و امنیت خویش است و تحقق این غایت، سلسله‌ای ترتیبی از اهداف ابزاری را طلب می‌کند. نخستین این اهداف، ممانعت از شکل‌گیری هژمونی دولت دیگر است (لیتل، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۱).

برتری نظامی ایالات متحده نقش تعیین‌کننده‌ای در هژمونی آمریکا در نظام بین‌الملل کنونی ایفا می‌کند. از لحاظ قدرت نظامی، ایالات متحده برای مدتی نسبتاً طولانی بعنوان قدرت برتر جهان باقی خواهد ماند. بنابراین بکارگیری موازنه سخت از طریق اتحادهای نظامی برای تقابل با قدرت برتر دشوار است. از منظر واقعگرایی ساختاری، چنانچه قرار باشد ثبات استراتژیک در جهان برقرار باشد، قدرت‌های متوسط در نظام بین‌الملل کنونی باید یک موازنه علیه ایالات متحده شکل دهند، زیرا تغییر در توزیع قدرت جهانی که در اواخر ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ با فروپاشی شوروی به سود آمریکا اتفاق افتاد، راه را برای شکل‌گیری نظام تک‌قطبی هموار کرده است. در این نظام اگرچه رهبر سیستم تک‌قطبی قدرتمند است اما احتمال موازنه بسیاری از قدرت‌های درجه دوم و یا همه آنها در قالب یک کنسرت، ایمن نیست. ولی از آنجا که موازنه سخت در نظام تک‌قطبی مشکل است و ریسک بالایی به همراه دارد، دولت‌ها عملاً تمایلی به آن ندارند (شیرخانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۱). بعد از به وقوع نپیوستن موازنه سخت، نظریه پردازان روابط بین‌الملل نظریه موازنه نرم را مطرح کردند

(چگنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۶-۲۳۳). والتز در این رابطه بیان می‌کند: اگرچه این امر با تاخیر روی می‌دهد ولی باید منتظر ظهور رفتارهای توازن‌بخش در برابر آمریکا بود. وی دو علت را برای ناپایداری نظام تک‌قطبی بیان می‌کند: اول اینکه قدرت‌های مسلط وظایف متعددی را در فراسوی مرزهای خود پذیرفته‌اند که آنان را در درازمدت تضعیف می‌نماید. دوم اینکه حتی اگر یک نیروی سلطه‌گر با مدارا و ملایمت رفتار کند، باز هم دولت‌های ضعیف در مورد آینده آن هراسناک خواهند بود، زیرا عصر تک‌قطبی عصری گذرا و ناپایدار است (Waltz, 1979: 58). حکومت‌های ضعیف گرایش و تمایل عموم به موازنه در مقابل قدرت‌های قوی دارند (متقی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). بنابراین بهترین بهترین مبنای نظری موازنه نرم توسط رابرت پایپ ارائه شده است، بنا بر دیدگاه پایپ، هدف ایجاد موازنه نرم، خنثی کردن عملکرد دولت در حال رهبری بدون مقابله مستقیم است. معیار موفقیت موازنه نرم تنها کنار گذاشتن یک سیاست توسط دولت در حال رهبری نیست بلکه حضور دولت‌های بیشتر در ائتلاف یک موازنه‌گر علیه ابرقدرت نیز معیار خوبی است (کمائی‌زاده و شفیع، ۱۳۸۹: ۵۵). موازنه نرم زمانی رخ می‌دهد که دولت‌ها بصورت عمومی توافقات و فهم امنیتی محدودشان با دیگران را به منظور موازنه با یک دولت تهدیدآمیز یا قدرت در حال خیزش به هم پیوند زنند. این نوع خاص از موازنه اغلب بر اساس یک ساخت تسلیحاتی محدود و یا همکاری در مناطق مختلف روی می‌دهد (Paul, 2004: 23). موازنه نرم دارای دو شکل درونی و بیرونی است. در شکل بیرونی بر تلاش‌های دیپلماتیک در نهادهای بین‌المللی تاکید می‌گردد در حالی که در شکل درونی به بسیج منابع درونی و نیز تلاش‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی یک دولت با هدف افزایش توانایی‌هایش برای رویارویی با تهدیدهای مطرح شده از سوی قدرت برتر تاکید می‌گردد (رضایی، ۱۳۸۷: ۲۸۵). بطور مثال امروزه موازنه نرم در مقابل ایالات متحده می‌تواند استفاده از نهادهای بین‌المللی، حربه‌های اقتصادی و توافقی‌های دیپلماتیک باشد که قادرند

جایگاه جمهوری اسلامی ایران در موازنه‌سازی... ۱۰۷

بکارگیری قدرت توسط آمریکا را در راه‌اندازی جنگ پیشدستانه محدود سازند (Pape, 2005: 34). اگرچه موازنه نرم به ابزارهای غیرنظامی بیشتر وابسته است ولی می‌تواند بر روی چشم‌اندازهای نظامی یک دولت برتر تاثیر بگذارد. مولفه‌های موازنه نرم می‌توانند قدرت نظامی هژمون را تضعیف کنند. در واقع دولت‌ها می‌توانند بارها با یکدیگر ارتباط داشته باشند و بتدریج اعتماد خود را به یکدیگر افزایش دهند. هدف از موازنه نرم، مجبور به تحمیل یا حتی مانع برتری دولت هژمون نیست بلکه اقدامات در برابر قدرت برتر نشان دهنده این است که بازیگران دیگر هم در حل و فصل معادلات بین‌المللی نقش دارند و در برابر جاه‌طلبی‌های هژمون مقاومت خواهند کرد (Pape, 2005: 37). اجرای موازنه نرم توسط دولت‌ها و بازیگران بین‌الملل در برابر هژمون مستلزم در نظر گرفتن مولفه‌های زیر است:

۱- عدم پذیرش سرزمینی: قدرت‌های برتر اغلب از دسترسی به سرزمین‌های دیگر جهت انجام مانورها، اسکان نیروها و عبور و مرور نیروهای هوایی و دریایی شان سود می‌برند. رد دسترسی سرزمینی توسط سایر کشورها قدرت هژمون را در دستیابی به پیروزی کاهش می‌دهد.

۲- دیپلماسی گیر انداختن: از آنجا که قدرت‌های برتر هم نمی‌توانند تصمیمات سازمان‌های بین‌الملل را نادیده بگیرند و به هدف‌های خود بدون توجه به آنها دست یابند. بر این اساس دولت‌های دیگر می‌توانند با استفاده از این نهادها قدرت هژمون را برای جنگ یا حمله کاهش دهند و از این راه آمادگی بیشتر جهت دفاع از خود فرصت‌های مناسبی بدست آورند.

۳- تقویت قدرت اقتصادی: قدرت نظامی دولت‌هایی را تهدید می‌کند که هدف‌ها را در برابر قدرت هژمون دنبال می‌کنند. بدلیل قدرت عظیم اقتصادی می‌تواند پشتوانه خوبی باشد. در این راه ایجاد بلوک‌های اقتصادی بدون حضور قدرت هژمون و بالا بردن رشد اقتصادی و تجاری می‌تواند سودمند باشد.

۴- عزم راسخ برای موازنه: کشورهای درجه دوم می‌توانند با پیمان‌های دسته جمعی در برابر قدرت هژمون که نیاز به همراهی دیگر قدرت‌ها جهت جامه عمل پوشیدن به برخی هدف‌های خود دارد ایستادگی کند. این مساله ضمن آنکه سبب می‌شود تا اعتماد این قدرت‌ها به توانایی ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمون افزایش یابد، موجب تشویق دیگر دولت‌ها جهت پیوستن به ائتلاف می‌شود (Pape, 2005: 36).

سیر تحول روابط روسیه و آمریکا از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶

زمان جنگ جهانی دوم تاکنون روابط روسیه و آمریکا از مهمترین موضوع‌های بین‌المللی بوده است و بیش از هر رابطه دیگری بر سیاست بین‌الملل و حتی روابط سایر دولت‌ها تاثیر گذاشته است. بزرگترین بخش این اهمیت به پیامدهای سیستمی آن برای نظام جهانی و مسائل سیاسی و امنیتی بین‌المللی برمی‌گردد. زیرا آثار روابط این دو کشور بر نظام بین‌المللی و مسائل مختلف آن در حوزه‌های گوناگون می‌تواند به شکل‌گیری بحران‌ها یا پایان یافتن آنها کمک کند. از این رو می‌توان گفت بسیاری از مسائلی که در دستور کار نظام بین‌الملل قرار دارد، به گونه‌ای با اراده این دو قدرت و دوری و نزدیکی آنها به یکدیگر مربوط می‌شود (کرمی، ۱۳۹۰: ۷۳). همواره تعارض و اختلاف وجه غالب روابط دو کشور بوده است (نقدی نژاد و سوری، ۱۳۸۷: ۱۵۹). اما از مهمترین تعارضات و اختلافات روسیه و آمریکا می‌توان به بحران گرجستان و مسئله ایران اشاره کرد. روسیه که پس از فروپاشی شوروی خود را در برابر غرب تحقیر شده می‌یافت در پی کسب جایگاه بهتری در نظام بین‌الملل بود. در این ارتباط اشتباهات و عدم توفیق سیاست خارجی آمریکا در دوران بوش باعث گردیده بود که روسیه نقش فعال‌تری را در منطقه قفقاز ایفا کند. لذا می‌توان گفت که بحران گرجستان ماهیت ژئوپلیتیکی - امنیتی دارد و روس‌ها معتقدند باید در برابر غرب ایستاد. همچنین قفقاز در سیاست خارجی روسیه به

دلیل وجود موضوعاتی همچون ترانزیت انرژی، گسترش ناتو، قومیت‌ها و تاثیر آنها بر روسیه و نهایتاً امنیت در مناطق پیرامونی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. علاوه بر این روس‌ها معتقدند امریکا قصد دارد با عضویت گرجستان در ناتو حوزه نفوذ خود را در منطقه قفقاز جنوبی گسترش دهند. بنابراین روسیه با پاسخ مناسب به حمله گرجستان به دو منطقه جدایی‌طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی، فرصت مناسبی را فراهم کرد تا به زیاده‌خواهی‌های امریکا پاسخ دهد (واعظی، ۱۳۸۸: ۲۲). بنظر می‌رسد حل بحران گرجستان نیازمند ایجاد شرایط جدیدی با مولفه‌های گوناگون است. بعنوان مثال تا زمانی که امریکا در صدد محدود ساختن نفوذ روسیه در منطقه و گسترش نفوذ خود از طریق ناتو باشد و سعی نماید نظام‌های سیاسی منطقه را علیه منافع و امنیت ملی روسیه بسیج کند، راه‌حلی برای این بحران نمی‌توان یافت. باقی ماندن اختلافات سیاسی دو جانبه گرجستان و روسیه، همراهی دولت گرجستان با طرح‌های امریکا، اصرار روسیه بر ادامه روش‌های سنتی زورمدارانه خود و به بازی گرفتن استقلال سیاسی و تمامیت ارضی کشورهای منطقه نیز موانع جدی بر سر دستیابی به راه‌حلی برای بحران گرجستان است (قامت، ۱۳۸۸: ۱۸۷). در مورد مسئله ایران هم می‌توان اینگونه توضیح داد که روابط میان روسیه و آمریکا و ایران منجر به پیدایش مثلثی شده که روابط این مثلث حداقل در سی سال گذشته با فراز و نشیب بسیاری همراه بوده است. برای فهم بهتر رابطه این مثلث باید از حوزه‌های همکاری میان این سه کشور شناخت کافی بدست آوریم و موضوع هسته‌ای ایران، همکاری نظامی ایران و روسیه، تسلیحات موشکی و تروریسم از مهمترین ابعاد روابط این مثلث محسوب می‌شود. عمده مسائل این سه کشور امنیتی و نظامی هستند. از سال ۲۰۰۰ به بعد روابط ایران و روسیه به سبب برخی اشتراکات رو به بهبود نهاد. دو کشور همکاری‌های زیادی با یکدیگر داشتند و با عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای به دنبال تقویت این روند نیز می‌باشند. همچنین دو کشور روابط اقتصادی و

نظامی و تسلیحاتی فراوانی با یکدیگر داشته‌اند و روز به روز گسترش می‌یابد. در سال ۲۰۰۱ آمریکا ایران را بعنوان محور شرارت معرفی کرد و این امر فشار زیادی را به ایران تحمیل کرد. ایران نیز در مقابل ائتلاف جنگ، سیاست‌هایی را با عنوان گفتگوی تمدن‌ها و ائتلاف برای صلح مطرح کرد که با استقبال جهانیان مطرح شد. بطور کلی آمریکا از همکاری میان روسیه و ایران هراسناک است و با ایجاد تحریم‌های اقتصادی جدید علیه دو کشور به مقابله با آنها برخاسته است ولی ایران و روسیه با برقراری موازنه نرم سعی در مقابله با هژمون را دارند.

نقش ایران در موازنه نرم روسیه علیه امریکا

موازنه نرم اقتصادی ایران و روسیه

در تاریخ مناسبات ایران و روسیه همواره مولفه اقتصادی یکی از اجزای مهم این روابط بوده که گاهی از سطح توسعه مناسبات سیاسی پیش افتاده است. بی شک ایران شریکی با پتانسیل بسیار بالای اقتصادی برای روسیه بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (سنایی و کرمی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). روابط اقتصادی دو کشور از سال ۲۰۰۰ و پس از روی کار آمدن پوتین و سفر خاتمی به مسکو و قرارداد همکاری ده ساله دو کشور بیش از گذشته گسترش یافت. بطوری که در سال ۲۰۰۵ روسیه به هفتمین شریک تجاری ایران تبدیل شد و ۵/۳۳ درصد از کل کالاهای صادراتی به ایران را تامین می‌کرد. در سه ماهه اول سال ۲۰۰۷ ارزش تجارت دو کشور معادل ۲/۲۹۴ میلیارد دلار بود. در سال‌های اخیر همچنین جمهوری اسلامی ایران به تولید و مونتاژ مشترک هواپیماهای روسی روی آورده و قراردادهایی را امضا کرده است. در مجموع، حجم واردات ایران از روسیه طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۰، بیش از ۱/۵ میلیارد دلار در سال بوده و در سال ۲۰۰۷ به حدود ۳ میلیارد دلار رسیده است. هفتمین کمسیون

مشترک همکاری‌های اقتصادی دو کشور در آذرماه ۱۳۸۶ در مسکو تشکیل شد و روس‌ها ابراز تمایل کردند که در صنایع پتروشیمی ایران سرمایه‌گذاری نمایند و پروتکلی نیز در مورد همکاری در زمینه انرژی، صنعت، حمل و نقل، تجارت و استاندارد بین دو کشور امضا گردید (موسسه مطالعات دریای خزر، ۱۳۸۷: ۷-۹). در سال ۹۰ در طول ۱۲ ماه صادرات روسیه به ایران افزایش داشت و از ۴۱۲ میلیون دلار در سال ۸۹ به ۷۵۸ میلیون دلار در سال ۹۱ رسید. صادرات ایران به روسیه در سال ۹۳ برابر با ۲۸۶ میلیون دلار بوده است. میزان تراز تجاری ایران در سال ۹۵ در حدود ۹۲۳ میلیون دلار بوده که در حدود ۲۹۱ میلیون دلار آن صادرات از ایران به روسیه بوده است. در بخش انرژی، ایران و روسیه در زمینه نفت، گاز و انرژی هسته‌ای و برق همکاری داشتند. روابط ایران و روسیه در زمینه انرژی در حال تکامل است. یکی از عوامل تاثیرگذار بر روابط میان این کشور، تحریم‌های آمریکاست که بطور ناخواسته موجب ایجاد روابط نزدیکتر میان روسیه و ایران شده است. هر دو کشور خواهان آن هستند تا مواضع سیاست خارجی مستقل خود را در قبال آمریکا ابراز نمایند و بنابراین علی‌رغم ماهیت چندبعدی و مبهم روابط ایران و روسیه، اکنون زمان مساعدی پیش آمده تا هر دو کشور به منافع مطلوبی دست یابند (موسسه بین‌المللی مطالعات دریای خزر، ۱۳۸۷: ۷-۱۲). در توافقنامه انرژی در تیر ۱۳۸۷، دو کشور بر تشکیل شرکت مشترک ایران و روسیه تاکید کردند. همچنین توسعه فازهای پارس جنوبی، همکاری در زمینه انتقال نفت خام در دریای خزر به دریای عمان (خط لوله نکا - جاسک)، ساخت پالایشگاه در شمال کشور و بررسی، مطالعه، اجرا و توسعه میدان آزادگان شمالی مورد تاکید قرار گرفته است. در حال حاضر طرح‌هایی در زمینه مهندسی هوا و فضا و ساخت هواپیما و هلی کوپتر در میان دو طرف امضا شده است. همچنین موضوع صدور تسلیحات نظامی از جانب روسیه به ایران یکی از موضوعات اساسی و مهم در قالب مناسبات دو کشور محسوب می‌شود. از دهه

۱۹۹۰ به این سو، میزان صادرات تسلیحات روسی به ایران بصورت قابل توجهی افزایش یافته است.

موازنه نرم نظامی و تسلیحاتی

در سال ۱۹۹۲ ایران و روسیه قراردادهایی را امضا کردند که تاثیر عظیمی بر روابط بلندمدت آنها داشت. یکی از آنها به قرارداد تسلیحاتی مهمی مربوط می‌شد که ارزش آن بین ۴ تا ۱۰ میلیارد دلار بود. مشخص شد که کالای مشمول این قرارداد از توافقات اولیه سال ۱۹۸۹ برای فروش تسلیحات سرچشمه می‌گرفت که شامل سه زیر دریایی از نوع کیلو تانک تی ۷۲، هواپیمای میگ ۲۹ و سوخوی ۲۴، پرتاب کننده موشک و سلاح‌های دوربرد بود. نمایندگان ایران و روسیه توافق کردند که دولت‌هایشان در مورد دکترین‌های نظامی و همچنین چالش‌ها و تهدیدات مشترک به یکدیگر مشورت بدهند. در پی دیدار سرگیف از تهران؛ خاتمی، رئیس جمهور ایران، پیشنهاد پوتین را پذیرفت. خاتمی در این دیدار در تلاش برای قدرت دریایی ایران در خلیج فارس، علاقه خود را برای خرید زیردریایی‌های بیشتر از روسیه اعلام داشت. در سال ۲۰۰۱ برخی منابع اعلام کردند که ایرن پس از چین و هند بزرگترین وارد کننده سلاح روسیه است. در سال ۲۰۰۵ اعلام شد که ایران مجموعه‌های موشکی ضد هواپیما با شعاع زیاد با نام‌های اس ۳۰۰ پی ام - وای واس - ۳۰۰ - پی ام وای ۲ و نیز مجموعه‌های ضد هواپیما با شعاع محدود را از روسیه خریداری کرده است. ایران همچنین تمایل خود را برای خرید هر دو مجموعه موشکی باک-۱ و موشک بالستیک کوتاه‌برد تاکتیکی اسکندر E2 اعلام کرده است (امیری، ۱۳۸۷: ۶۰-۵۷). در سال ۲۰۱۰ مسکو قرارداد تحویل اس ۳۰۰ را لغو اما رئیس جمهور روسیه چند روز پس از توافق لوزان در فروردین ۱۳۹۵ ممنوعیت صدور سامانه موشکی اس ۳۰۰ به ایران را ملغی کرد و پس از برجام ارسال این سامانه‌ها به ایران قطعی شد و روسیه اس

۳۰۰ را به ایران تحویل داد. هم اکنون تهران امکان خرید سامانه مدرن تر یعنی اس ۴۰۰ را از روسیه مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین روسیه اعلام کرده مانعی برای تحویل تانک‌های تی و جنگنده‌های سوخو ۳۰ به ایران نمی‌بیند (کرمی و کرامتی نیا، ۱۳۹۵: ۸۳). جمهوری اسلامی ایران از طریق تدارک همکاری نظامی با روسیه در پی دستیابی به اهدافی نظیر تقویت سازمان دفاعی خود در دوره پس از جنگ تحمیلی یا بی اثر کردن سیاست‌های تخاصمی آمریکا در زمینه انزوای استراتژیک ایران بوده است. روسیه نیز در چارچوب سیاست تسهیل فرایند بازسازی اقتصاد خود از جمله از طریق افزایش فروش‌های تسلیحاتی به کشورهای نظیر ایران و نیز تقویت روابط با کنشگران مخالف با نظم تک‌قطبی و یکجانبه‌گرایانه، به تدارک و توسعه تعاملات نظامی با جمهوری اسلامی پرداخت. همکاری مسکو و تهران می‌تواند دارای آثار بالقوه‌ای برای نظام امنیتی حوزه اوراسیای مرکزی بعنوان محیط امنیتی مشترک دو کشور نیز باشد. این روابط می‌تواند محکی برای کنشگران مرکزگرای منطقه به منظور افزایش همکاری‌های دفاعی و نظامی‌شان با کنشگران فرمانطقه‌ای بویژه دولت‌های غربی باشد. در ضمن، رقابت ژئوپلیتیکی دولت‌های غربی با روسیه در این منطقه، واکنش احتمالی آنها را به توسعه روابط دفاعی مسکو و تهران در شکل تقویت ترتیبات امنیتی مورد حمایت خود در اوراسیای مرکزی به دنبال خواهد داشت (امیری، ۱۳۸۷: ۲۸۱). ایران و روسیه در سال ۹۵ تعاملات زیادی در زمینه نظامی داشته‌اند که مهمترین آنها مربوط به تحویل کامل سامانه اس ۳۰۰ و همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم در عراق و سوریه اشاره کرد (Isna.ir).

سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران

روسیه بعزت حضور ایالات متحده در منطقه به نوعی با کشور ایران به یک موازنه‌جویی در راستای سازمان همکاری شانگهای دست پیدا خواهد کرد و

می‌خواهد با همکاری ایران به نوعی خطر بنیادگرایی اسلامی و تروریسم و همچنین خطر حضور آمریکا در این منطقه را مهار کند و به نوعی از عضویت دائم ایران در این سازمان استقبال و حمایت می‌کند. ایران با توجه به این موارد می‌تواند با روسیه در حوزه‌های اقتصادی همکاری کند تا شرکت‌های آمریکایی را از قراردادهای انرژی کنار بگذارد. همچنین در مباحث امنیتی می‌تواند به این کشور در مسائلی چون گسترش ناتو و بنیادگرایی اسلامی همکاری عضویت در این سازمان برای ایران سودمند است زیرا از یک سو ایران با سیاست عدم تعهد و رعایت مشور ملل متحد با پیوستن به سازمان می‌تواند جای خوبی در آن بدست آورد زیرا توانایی میانجی‌گری بین گروه‌های اپوزیسیون اسلامی و دولت‌های روسیه و چین را دارد و از این رو می‌تواند به کاهش تنش‌های منطقه‌ای و به صلح و ثبات جهانی کمک کند. همچنین ایران در حوزه اقتصادی می‌تواند از مزایای آن در سازمان شانگهای مانند مناطق معاف از مالیات، کاهش تعرفه‌ها و مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز بهره‌مند شود و در کشمکش‌ها در زمینه اتمی نیز به اندازه‌ای خواهد توانست پشتیبانی روسیه را بدست آورد و در صورت عضویت دائم در این سازمان با حمایت روسیه امکان چانه‌زنی خود در گفتگوهای بین‌المللی را افزایش دهد (شمسیان فرد، ۱۳۵۸: ۲۴۸).

موازنه نرم دیپلماتیک ایران و روسیه

در جهان امروز، انرژی عاملی راهبردی است و بیشتر کشورهای جهان بویژه آنها که به دنبال اعمال اراده قدرت خود بر دیگر کشورها هستند از همین دریچه به مقوله انرژی می‌نگرند. در سال ۱۹۹۲ دو کشور در راستای یک برنامه تجاری و بلندمدت، موافقتنامه‌ای برای ساخت نیروگاه هسته‌ای در ایران و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای به امضا رساندند. تحلیلگران ایران و روسیه، ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر را بعنوان سمبل همکاری دو کشور

مطرح کرده‌اند که ارزش احتمالی آن در حدود ۸۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است. منافع روسیه در فروش تسلیحات، فراهم نمودن فناوری هسته‌ای و گسترش روابط اقتصادی، ایران را به یکی از شرکای بلندمدت روسیه تبدیل کرده است. همچنین مسکو قرار دادن نام ایران در کنار کشورهای یاغی و حامی تروریسم از سوی آمریکا را رد می‌کند و خواهان همکاری نزدیک با ایران است (جعفری و میرجلالی، ۱۳۸۹: ۱۶۸-۱۶۰).

نقش روسیه در حل و فصل پرونده‌ی هسته‌ای ایران

روس‌ها از طریق مقاومت در برابر تقاضای قطع همکاری هسته‌ای با ایران از سوی آمریکا تلاش می‌کنند تا در وهله نخست خود را در گردونه جهانی حفظ کنند و در وهله بعد بعنوان یک حربه و دیپلماسی برای گیر انداختن ایالات متحده با همکاری ایران نیز می‌باشد زیرا روسیه و ایران با این روش به نوعی با آمریکا مقابله می‌کنند زیرا حتی کشور هژمون هم نمی‌تواند مقررات سازمان‌های بین‌المللی را نادیده بگیرد و دولت‌های مذکور با این دیپلماسی از قدرت آمریکا می‌کاهند. در خصوص رفتار سیاست خارجی روسیه در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران چهار موضع‌گیری رسمی را به شرح زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. ادامه گفتگوها از مجاری نهادها و چندجانبه از جمله اجلاس شورای حکام، میز مذاکرات چندجانبه با طرف‌ها؛
۲. حمایت از مذاکرات هسته‌ای ایران و اتحادیه اروپا و آمریکا از مواضع اصولی روسیه در قبال بحران هسته‌ای ایران بود. اجلاس استانبول، بغداد و مسکو در سال ۲۰۱۲ نیز بخشی از راه حل مطلوب روسیه در حل پرونده هسته‌ای ایران بوده که با توجه به تحریم‌های آمریکا و اروپا با شکست مواجه شده است؛
۳. بیان خطوط قرمز امنیتی: در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران، آنچه مهمترین

خط قرمز امنیتی روسیه در این پرونده است، حفظ موازنه هسته‌ای در مرزهای جنوبی است. پوتین دغدغه‌های امنیتی روسیه را اینگونه اعلام کرده است: ما نه تنها با گسترش و انتقال تسلیحات هسته‌ای به ایران بلکه به مناطق دیگر مخالف هستیم. ما ضمن گفتگو با مقامات ایرانی بدنبال این هستیم که ضمانت‌های لازم را از ایران بگیریم. دومینوی هسته‌ای در خاورمیانه و شکسته شدن انحصار هسته‌ای روسیه و اعضای کنونی کلوپ هسته‌ای در داشتن سلاح هسته‌ای می‌تواند موازنه هسته‌ای را در مرزهای جنوبی روسیه و در سطح کلان‌تر در سطح جهانی به ضرر اعضای شورای امنیت دچار چالش اساسی کند؛

۴. جلوگیری از یکجانبه‌گرایی آمریکا و محور یورو- آتلانتیک: به اعتقاد مقامات کرملین، مقاومت در برابر تحریم‌های یکجانبه علیه ایران از جمله تحریم‌های آمریکا و اروپا پس از گزارش آمانو در اواخر سال ۲۰۱۱، ضمن رساندن این پیام به ائتلاف ناتو مبنی بر نادیده انگاشته شدن روسیه در فرایند چندجانبه‌گرایانه حل بحران برنامه اتمی ایران، فرصت را برای از سرگیری مذاکرات افزایش می‌دهد. در واقع از دید مقامات مسکو باز کردن فضای تنفس برای ایران زمینه‌ساز گفتگوهای چندجانبه بعدی است، البته حفظ منافع سیاسی و اقتصادی ۳ تا ۴ میلیارد دلاری در سال با ایران در تعامل بدون تحریم نیز مولفه انگیزشی دیگری است که گزینه تحریم‌های یکجانبه را برای روسیه کم‌رنگ می‌سازد، ولی حرکت غرب از گزینه تحریم‌های هوشمند به سمت گزینه تحریم‌های گسترده پولی، مالی و نفتی آنهم بدون جلب رضایت سایر اعضای شورای امنیت، به راهبرد چندجانبه‌گرایی محدود روسیه فشارهای انقباضی بیشتری را وارد کرده است؛

۵. ایفای نقش پررنگ‌تر در مسائل فنی پرونده هسته‌ای ایران: انتقال سوخت هسته‌ای به ایران و وابستگی تهران به مهمترین اهرم آغاز بکار نیروگاه

بوشهر ضمن تسلط بیشتر روس‌ها بر سازو کار غنی‌سازی و گردش انرژی در نیروگاه، عرصه گسترده‌ای از امتیازگیری فنی و سیاسی را از دو طرف دیگر بازیگر در پرونده حاضر برای روس‌ها فراهم می‌آورد (پوراحمدی و خوشکار، ۱۳۹۱: ۷۰-۶۰).

همکاری روسیه در برجام و مذاکرات ۱+۵

ولادیمیر پوتین در ۱۴ جولای ۲۰۱۵، پس از امضای توافق جامع، ضمن ایراز خرسندی، آن را بر پایه‌های محکم قوانین بین‌المللی بویژه پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای و موافقتنامه پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از جمله پروتکل الحاقی شالوده‌ریزی شده دانست. بر خلاف تلاش برای توسل به سناریوهای نظامی، مذاکره کنندگان انتخاب را به نفع ثبات و همکاری انجام دادند که در قطعنامه شورای امنیت تثبیت خواهد شد. ایران امکان یافت این برنامه را از جمله غنی‌سازی اورانیوم را تحت کنترل سازمان انرژی اتمی، ضمن حذف تحریم‌های پی در پی علیه تهران توسعه دهد که ما از مدت‌ها مصرانه خواستار آن بودیم.

بی‌شک برجام، موجب تقویت رژیم منع گسترش سلاح هسته‌ای می‌شود و تاثیر مثبتی بر وضعیت کلی امنیت و ثبات در خاورمیانه، شمال افریقا و خلیج فارس خواهد گذاشت.

* رفع بهانه‌های موجود برای توسل به زور علیه ایران: این نکته حائز اهمیت است که عادی‌سازی وضعیت مربوط به ایران هر بهانه‌ای برای توسل به زور علیه این کشور را از میان بر می‌دارد.

* تاثیر مثبت بر مناسبات تهران - مسکو: این امر با اجرای طرح‌های گسترده احداث واحدهای جدید تاسیسات و نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران مرتبط است که اجرای آنها در چاقوب توافق حاصله در برابر هرگونه تاثیر منفی عوامل خارجی بطور کامل تضمین می‌شود. لغو نظام تحریم‌ها امکان پیشرفت را در

دیگر زمینه‌های همکاری‌های دوجانبه فراهم می‌کند که در آنها، اعمال محدودیت‌های یکجانبه برون‌مرزی آمریکا و اتحادیه اروپا در معاملات مالی و دیگر جوانب فعالیت‌های عملی مشترک ما و شرکای ایرانی ما متوقف خواهد کرد.

* گسترش فرصت‌های جدید برای حل و فصل از دیگر مشکلات و درگیری‌های موجود در منطقه؛

* ایجاد انگیزه‌های بیشتر برای پیشبرد ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه؛

* رفع موانع در راه تشکیل ائتلافی گسترده برای مبارزه با داعش و دیگر گروه‌های تروریستی (کرمی و کرامتی نیا، ۱۳۹۵: ۷۵-۷۰).

با وجود سیاست پیچیده روسیه در موضوع هسته‌ای ایران، همچنان همکار اصلی ایران در مسئله هسته‌ای و تامین کننده تجهیزات دفاعی مناسب برای دفاع از تاسیسات هسته‌ای ایران در برابر حملات احتمالی آمریکا و اسرائیل است.

نقش روسیه در تلطیف قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران

در دوره پوتین با کاهش روابط روسیه با غرب و بازسازی روابط با ایران، شرایط مناسبی برای ارتقای روابط فراهم شد. در این زمان روسیه در بحث هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند که قطعنامه جدیدی علیه ایران تصویب نشود. روسیه به طور مرتب بر حل و فصل موضوع هسته‌ای از طریق مسالمت‌آمیز تاکید می‌کند. این کشور سعی دارد از طریق طرح‌های ابتکاری از جمله طرح گام به گام بتواند نقش میانجی‌گرانه در موضوع هسته‌ای داشته باشد. در واقع تا پیش از توافق هسته‌ای، روابط روسیه و ایران در موضوع هسته‌ای در قالب سه مفهوم که از مفاهیم اصلی حاکم بر سیاست خارجی روسیه نسبت به پرونده هسته‌ای است پیروی می‌کند:

- جلوگیری از تشدید اوضاع؛

- حل و فصل موضوع در چارچوب مذاکره؛

- میانجیگری از طریق طرح گام به گام.

روس‌ها اولاً به طور قاطع مخالف هسته‌ای شدن ایران در بعد نظامی هستند ولی در عین حال بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تاکید دارند. در این راستا طرح‌هایی را برای این موضوع ارائه کردند که عبارتند از: طرح انتقال ذخایر ایران، طرح گام به گام و مشارکت آنها در نشست‌های ۱+۵ برای حل و فصل مسائل هسته‌ای. روس‌ها مخالف اقدام نظامی علیه ایران به بهانه پرونده بودند (کرمی و کرامتی نیا، ۱۳۹۵: ۷۵).

عدم پذیرش سرزمینی

قدرت‌های برتر اغلب از دسترسی به سرزمین‌های دیگر جهت انجام مانورها، اسکان نیروها و عبور و مرور نیروهای هوایی و دریایی‌شان سود می‌برند. رد دسترسی سرزمینی توسط سایر کشورها قدرت هژمون را در دستیابی به پیروزی کاهش می‌دهد. برای همین ایران و روسیه در راستای برقراری موازنه نرم، اقدام به حمایت از دولت سوریه و بشار اسد کردند و برای مقابله با هژمونی ایالات متحده کشور دیگری را برگزیدند تا به نوعی با نمایش قدرت در این کشور در برابر اقدامات یکجانبه آمریکا مقابله به مثل کنند.

تحولات سوریه

رویکرد ایران در قبال بحران سوریه

با شروع بحران در سوریه، اهمیت روابط دو کشور دو چندان شده است. این روابط یک محور وسیع منطقه‌ای است که عراق و لبنان را در بر گرفته و موسوم به محور مقاومت است. اهمیت سوریه برای ایران عبارتند از:

* دولت سوریه آخرین سنگر از کشورهای عربی است که در مقابل اسرائیل

ایستاده است؛

* سوریه در جنگ عراق علیه ایران، از ایران حمایت کرد؛
* سوریه مسیر حضور ایران در عرصه لبنان را تأمین و تضمین می‌کرد (متقی و سعیدی، ۱۳۹۴: ۳-۲).

از همان آغاز ناآرامی‌ها در سوریه، حمایت ایران از دولت بشار اسد کاملاً واضح بود و ضمن تأکید بر انجام اصلاحات و لزوم حفظ حاکمیت ملی، حمایت همه‌جانبه خود را از این کشور اعلام کرده است. ایران با تمام قوا با هرگونه دخالت طرف خارجی در امور داخلی سوریه مخالف بوده و تلاش می‌کند تا با رایزنی با دیگر حامیان سوریه نظیر روسیه و چین، مانع از دخالت قدرت خارجی در تحولات سوریه شود. ایران سوریه را بعنوان یک سپر دفاعی امنیتی در منطقه برای خود قلمداد می‌کند که به آن کمک مالی، نظامی و امنیتی اعطا می‌کند (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۹۱-۹۰).

امروزه دولت آمریکا نظام بشار اسد را تهدید و مانعی در صلح خاورمیانه مورد نظر می‌بیند و آنرا یک نظام غیرمشروع می‌پندارد و در بحران بوجود آمده در سوریه، سعی و تلاش خود را در راستای تضعیف هر چه بیشتر نیروی نظامی سوریه در منطقه خاورمیانه می‌نماید.

رویکرد روسیه در بحران سوریه

دولت روسیه که خواهان ایفای نقش بیشتری در امور جهانی است نمی‌تواند به راحتی سرنگونی رژیم اسد و از دست رفتن آخرین پایگاه روسیه در خاورمیانه را بپذیرد. حمایت روسیه از اسد در برابر معارضین سوری و مخالفت با حمله نظامی آمریکا به سوریه، بخوبی نشان داد که سیاست خارجی روسیه از منفعل بودن خارج و به یک سیاست فعال تبدیل گردیده و نشان دهنده این است که روسیه به دنبال تداوم حضور خود در خاورمیانه می‌باشد. روسیه بخوبی می‌داند که با از دست رفتن سوریه، موقعیت ایران در منطقه تضعیف خواهد شد و این مسئله امکان ضربه زدن به منافع روسیه را در پی خواهد داشت و بهره‌برداری

آمریکا از خاورمیانه را بیشتر فراهم می‌آورد. ارسال ناوگان جنگی روسیه به شرق دریای مدیترانه و مخالفت روسیه با مجازات سوریه بدون موافقت شورای امنیت سازمان ملل و همچنین ارائه طرح انهدام تسلیحات شیمیایی سوریه برای توقف حمله غرب به سوریه را بایستی در راستای حمایت روس‌ها از اسد دید (ساجدی، ۱۳۹۲: ۳۰-۲۵).

رد دسترسی سرزمینی توسط ایران و روسیه در سوریه

ایران و روسیه در راستای عدم پذیرش سرزمینی، میدان نبرد غیرمستقیم خود با ایالات متحده را به سوریه کشانده‌اند. ایران با در اختیار قرار دادن پایگاه هوایی در همدان به جنگنده‌های روس، آنها را حمایت می‌کند. روسیه در اوایل اکتبر ۲۰۱۵ از دریای خزر، ۲۶ فروند موشک دور برد در خاک سوریه شلیک کردند که از فضای ایران عبور کرده بود. ایران نیز با اعزام نظامیان به این کشور در حملات زمینی علیه تروریست‌ها شرکت می‌کند. در واقع ایران و روسیه با درک مشترک از تهدیدهایی که در منطقه وجود دارد به یک همکاری مشترک راهبردی در سوریه رسیده‌اند. روسیه و ایران در طی چند سال گذشته بطور قوی از دولت سوریه حمایت کردند. در واقع در تاریخ معاصر کشور ایران بی‌سابقه بوده است که یک قدرت خارجی از یک پایگاه ایرانی برای ترتیب دادن حملات استفاده کند. در واقع نخبگان آمریکایی نیز این اتحاد را یک همکاری خطرناک به ضرر منافع آمریکا می‌دانند. آمریکا در تلاش است یک دولت یکجانبه را در سوریه روی کار آورد که طرفدار آنها باشد و ایران و روسیه با این امر بشدت مخالفند. در شرایط کنونی نزدیکی دیدگاه ایران و روسیه در مسائل منطقه‌ای باعث شده تا با یکدیگر همکاری نمایند. ایران می‌تواند از نیاز روسیه برای داشتن متحد در برابر ائتلاف عربی و غربی، برای ایجاد روابط مستحکم‌تر خصوصا در بخش اقتصادی و نظامی بهره‌بردارد. ایران و روسیه تلاش دارند تا با استفاده از پتانسیل‌های خود و یا از طریق ائتلاف با یکدیگر از قدرت

گرفتن رقبای خود در سوریه بکاهند. قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای مانند روسیه و آمریکا در جهت منافع خود و نیز برای کاهش نفوذ یکدیگر در خاورمیانه و بخصوص در سوریه خود را ملزم به حمایت از مخالفین یا دولت سوریه می‌بینند که این رقابت‌ها به یک جنگ نیابتی منتهی شده است.

نتیجه‌گیری

پس از به وقوع نپیوستن موازنه سخت، بهترین مبنای نظری برای موازنه نرم توسط رابرت پایپ مطرح شده است. وی معتقد است کشورها بدلیل اینکه توانایی مقابله مستقیم با قدرت برتر را ندارند به مقابله غیرمستقیم روی می‌آورند. در واقع موازنه نرم دارای دو شکل بیرونی و درونی است؛ شکل درونی شامل بسیج منابع برای مقابله با هژمون و شکل بیرونی به تلاش‌های دیپلماتیک در نهادهای بین‌المللی برای رویارویی با قدرت برتر را شامل می‌شود. علاوه بر این، اجرای موازنه نرم مستلزم مولفه‌های زیر است:

۱. تقویت قدرت اقتصادی؛
۲. عدم پذیرش سرزمینی؛
۳. عزم راسخ؛
۴. دیپلماسی گیر انداختن.

در واقع بر اساس این نظریه، روسیه در پی ایجاد قدرت شوروی سابق و کسب اقتدار گذشته خویش به مقابله غیرمستقیم علیه ایالات متحده پرداخته است که این کشور در واقع با همکاری کشورهای نظیر ایران و اتحاد و ائتلاف، قصد خنثی‌سازی قدرت رقیب را در سر می‌پروراند. در واقع ایران هم جز بازیگرانی محسوب می‌شود که بعد انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ میلادی تغییرات بنیادی و اساسی در این کشور و خصوصا در سیاست خارجی ایران آشکار گردیده که از جمله آن سیاست مقابله‌جویی و مخالفت با یکجانبه‌گرایی ایالات متحده و تک‌قطبی‌گری آن بود. در همین راستا روسیه و ایران می‌توانند

همکاران خوبی برای ایجاد موازنه نرم در برابر نظام تک‌قطبی باشند. در این پژوهش به سیر روابط دو کشور روسیه و ایالات متحده پرداخته شده است. روابط دو کشور فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده است که رقابت و تعارض، اصلی‌ترین ویژگی حاکم بر روابط دو کشور بوده است. در واقع با شروع جنگ سرد و نظام دوقطبی، دو کشور به رویارویی در تمام عرصه‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ... پرداختند. از مهمترین دلایل اختلافات آنها می‌توان به بحران گرجستان و مسئله ایران اشاره کرد.

آغاز شروع اختلافات جدی دو کشور از سال ۲۰۰۸ با شروع بحران گرجستان و حمله روسیه به آبخازیا و اوستیای جنوبی و اعلام استقلال آنها از گرجستان می‌توان اشاره کرد. در واقع شروع این بحران باعث ایجاد روابط خصمانه با امریکا شد زیرا ایالات متحده بشدت از دولت گرجستان حمایت می‌کرد و سعی در توسعه نفوذ ناتو در این کشور داشت و به همین دلیل روسیه مانع از آن شد. موضوع دیگری که باعث ایجاد تعارض در دو کشور شد مسئله ایران است زیرا روسیه بشدت از ایران جانبداری می‌کنند و در شورای امنیت قطعنامه‌ها علیه ایران را وتو کرده و روابط بسیار نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران دارد اما در آن سو ایالات متحده از آغاز شکل‌گیری انقلاب اسلامی در روابط با تهران تردید کرده و خواهان تحریم علیه تهران می‌باشد و تاکنون رفتار خصومت‌آمیزی با ایران داشته است. اما تهران و مسکو در چارچوب موازنه نرم در برابر امریکا، روابط اقتصادی و همکاری‌های بسیار خوبی را در سال‌های اخیر آغاز کردند بطوری که امروزه روسیه یکی از مهمترین شرکای تجاری ایران محسوب می‌شود. در سال ۲۰۱۶ حجم مبادلات تجاری بین دو کشور ۷۰ درصد افزایش داشته است. در زمینه انرژی نیز روسیه قرارداد بزرگی مبنی بر احداث نیروگاه اتمی بوشهر با ایران بسته است. دو کشور در زمینه نفت و گاز و برق و هسته‌ای تعامل نزدیکی با یکدیگر برقرار کرده‌اند. همچنین در زمینه نظامی، روسیه اقدام به فروش سامانه اس ۳۰۰ و تحویل آن به ایران نمود و بر

طبق شواهد، روسیه در قراردادی دیگر سامانه اس ۴۰۰ را به ایران می‌فروشد. در همین راستا طرح‌هایی در زمینه هوا فضا و ساخت هواپیما و هیلی کوپتر در دستور کار دو کشور قرار دارد. همچنین فروش تسلیحات روسیه به ایران در سال‌های اخیر روند رو به گسترشی داشته است. در واقع می‌توان گفت با توجه به افزایش همکاری‌های اقتصادی و تجاری دو کشور، تهران و مسکو گام مهمی را در جهت تقویت قدرت اقتصادی خود در راستای موازنه‌سازی با ایالات متحده برداشته‌اند و سعی در این دارند که با افزایش توان تجاری و بازرگانی خود، آسیب‌پذیری کمتری را در مقابل تحریم‌ها و تهدیدهای آمریکا داشته باشند و به نوعی با قدرتمندتر شدن در بخش اقتصادی به مقابله غیرمستقیم با آن بپردازند. بر مبنای نظریه رابرت پایپ دو کشور ایران و روسیه در راستای عزم راسخ در حال افزایش قدرت نظامی و تسلیحاتی خویش هستند. دو کشور می‌توانند از طریق همکاری و ائتلاف با هم در چارچوب سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، قدرت هژمون را به چالش بکشند. بر همین اساس روس‌ها خواهان عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای هستند. در واقع این سازمان به نوعی ناتوی شرقی محسوب می‌شود و اگر ایران به عضویت دائم آن دست یابد می‌تواند در مقابل تهدیدات نظامی آمریکا مصون باشد و بر قدرت چانه‌زنی ایران در حل معضلات منطقه بیفزاید. دیپلماسی گیر انداختن؛ دو کشور در همین راستا اقدام به همکاری دوجانبه در موضوع هسته‌ای نموده‌اند. همکاری‌ها شامل ساخت نیروگاه هسته‌ای، چرخش سوخت هسته‌ای، ارائه راکتورهای تحقیقاتی، بازیافت سوخت مصرف شده و آموزش دانشمندان هسته‌ای ایران می‌باشد. در واقع می‌توان گفت ایران و روسیه همکاری بسیار گسترده‌ای را هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح منطقه‌ای آغاز کردند. در واقع دو کشور معتقدند نظام تک‌قطبی بی‌ثبات است و باید با آن به مقابله پرداخت. دو کشور می‌توانند از طریق افزایش قدرت نظامی و تسلیحاتی، قدرت چانه‌زنی در نهادهای بین‌المللی و همچنین تقویت توان اقتصادی در برابر ایالات متحده صف

آرایی کنند. در واقع آنها خواهان یک نظم بین‌المللی بر اساس توازن قوا می‌باشند و چون قدرت مقابله مستقیم با امریکا را ندارند به مقابله غیرمستقیم روی آوردند. بنظر می‌رسد در آینده‌ای نه چندان دور شاهد همکاری‌های بیشتر روسیه و ایران و ایجاد ائتلاف مستحکم‌تر باشیم. در واقع دولتمردان ایرانی می‌توانند با استفاده از قدرت تاثیرگذاری روسیه در سطح بین‌المللی، قدرت خود را افزایش داده و سد محکمی در برابر زیاده‌خواهی‌های امریکا داشته باشند. روسیه می‌تواند از طریق موازنه نرم به افزایش قدرت ایران از طریق زیر اقدام کند:

- * ارسال تسلیحات پیشرفته‌تر به ایران؛
- * استفاده از قدرت چانه‌زنی و وتو کردن قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران در سازمان ملل متحد؛
- * همکاری گسترده‌تر اقتصادی و تجاری خصوصا در بخش بازرگانی، حمل و نقل و انرژی؛
- * استفاده از توانایی بازدارندگی خود در برابر امریکا برای حمایت از برجام و فعالیت هسته‌ای ایران؛
- * حمایت از عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای؛
- * همکاری نظامی دو کشور در راستای حمایت از متحدان منطقه‌ای و جلوگیری از نفوذ امریکا در اروپای شرقی و خاورمیانه؛
- * حمایت از جمهوری اسلامی ایران در برابر تحریم‌ها و تهدیدهای یکجانبه ایالات متحده.

منابع

فارسی

- لیتل، ر، (۱۳۸۹)، *تحول در نظریه‌های موازنه قوا*، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، چاپ نخست، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.
- سنایی، مهدی، کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۷)، *روابط ایران و روسیه*، چاپ اول، تهران: انتشارات ایراس.
- امیری، م، (۱۳۸۴)، «روابط دفاعی ایران و روسیه و تاثیر آن بر امنیت منطقه»، *نشریه مجلس و پژوهش*، سال چهاردهم، شماره ۵۸، صص ۲۹۰.
- پور احمدی، ح، خوشکار، ا، (۱۳۹۱)، «مبانی سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۹، صص ۳۹-۷۸.
- جعفری، ر، میرجلالی، ع، (۱۳۸۹)، «مؤلفه‌های سیاست خارجی روسیه در همکاری هسته‌ای با ایران»، *نشریه علوم سیاسی*، شماره ۵۱، صص ۱۸۰-۱۵۵.
- رضایی، ع، (۱۳۸۷)، «چین و موازنه نرم در برابر هژمونی ایالات متحده در عرصه نظام بین‌الملل»، *راهبرد یاس*، شماره ۱۶، صص ۲۹۸-۲۸۲.
- ساجدی، امیر، (۱۳۹۲)، «بحران سوریه و دخالت قدرت‌های بیگانه»، *مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۶ شماره ۲۴، صص ۳۲-۱.
- شیرخانی، م و دیگران، «موازنه نرم؛ بریکس و چالش برتری آمریکا»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال نهم، شماره ۳، صص ۱۷۴-۱۴۵.
- شفیعی، ن، کمائی زاده، ی، «تبیین روابط چین و آمریکا در برابر سازمان همکاری شانگهای؛ براساس نظریه موازنه قوای نرم»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال سوم، شماره ۷، صص ۷۷-۵۱.
- شمسیان فرد، ح، (۱۳۸۵)، «سازمان همکاری شانگهای و آینده ایران در آن»، *فصلنامه سیاسی/اقتصادی*، شماره‌های ۲۲۴-۲۲۳، صص ۲۵۷-۲۴۸.
- صادقی، شمس‌الدین، لطفی، کامران، (۱۳۹۴)، *تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه*، جستارهای سیاسی معاصر، سال ششم، بهار ۱۳۹۴ شماره

جایگاه جمهوری اسلامی ایران در موازنه‌سازی... ۱۲۷

۱ (پیاپی ۱۵)، صص ۱۴۴-۱۲۳.

قامت، ج، (۱۳۸۸)، «کالبد شکافی بحران گرجستان بر اساس مدل مایکل برچر»،

فصلنامه دانشنامه، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۸۸-۱۶۸.

کریمی، ج، (۱۳۸۹)، «روابط ایران و روسیه در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸، بسترها،

عوامل و محدودیت‌ها»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال سوم، شماره ۶، صص

۱۱۱-۱۳۶.

کریمی، ج، کرامتی نیا، ر، (۱۳۹۵)، «سیاست خارجی روسیه و پرونده هسته‌ای ایران:

از تحریم تا برجام»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۹۵، صص ۶۶-۱.

کریمی، ج، (۱۳۹۰)، «معامله بزرگ در روابط روسیه و امریکا: دوره مدودیف و

اوباما»، *فصلنامه مطالعات جهان*، سال اول، شماره ۱، صص ۱۰۰-۷۱.

متقی، ا، سعیدی، ا، (۱۳۹۴)، «بررسی سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه»،

فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۳۱-۱.

موسسه بین‌المللی مطالعات دریای خزر، (۱۳۸۷)، «روابط ایران و روسیه پس از

جنگ سرد»، صص ۳۵-۱.

متقی، ا، (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک تعادل و موازنه نرم، مطالعه موردی: خاورمیانه در بین

سال‌های ۹-۲۰۰۱»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال چهارم، شماره ۱، صص ۳۵-۹.

نقدی نژاد، ح، سوری، ا، (۱۳۸۴)، «رقابت روسیه و آمریکا در اوراسیا»، *فصلنامه*

آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۲، ۱۷۱-۱۵۶.

واعظی، محمود، (۱۳۸۵)، «تحولات سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران»،

مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، صص ۳۲-۷.

واعظی، محمود، (۱۳۸۸)، «پیامدهای بحران گرجستان»، *فصلنامه راهبرد*، سال

هجدهم، شماره ۵۱، صص ۳۹-۷.

(ب) سایت

- www.isna.ir.

References

- Pape, r (2005), "Soft Balancing against the United States", *International Security*, Vol. 30.
- Walt, z (2004), "Can the United States Be Balanced?", Prepared for Delivery at 2004 Annual Meeting of the American Political Science Association.
- Paul, t. v. (2004), The Enduring Axioms of Power Theory, *Security*, Vol. 24, No. 1.
- Ney, Joseph (2004), *Soft Power, The Means to Success in World Politics*, New York.